

تأثیر محافظه کاری بر دقت و دفعات پیش بینی سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سید عباس هاشمی¹ / نوید خالقی²

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین محافظه کاری با دقت و دفعات پیش بینی سود می پردازد. به منظور دستیابی به این هدف، دو فرضیه تدوین شده و جهت آزمون این فرضیه ها، نمونه ای از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های 1381 لغایت 1387 انتخاب گردید. همچنین در این پژوهش به منظور اندازه گیری محافظه کاری از معیار مبتنی بر اقلام تعهدی و BTM و برای آزمون فرضیه ها از روش رگرسیون خطی چند متغیره و مدل داده های ترکیبی استفاده شد.

یافته های پژوهش حاکی از آن است که بین محافظه کاری حسابداری و دفعات پیش بینی سود رابطه معکوس وجود دارد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که با افزایش میزان محافظه کاری، دفعات پیش بینی سود کاهش می یابد. لکن در خصوص وجود رابطه بین محافظه کاری و دقت پیش بینی سود، شواهدی یافت نشد.

واژگان کلیدی: محافظه کاری، پیش بینی سود، ارزش بازار شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی.

طبقه بندی موضوعی: M41 , G12.

1. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه اصفهان.

2. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه اصفهان Navid.khaleghi@yahoo.com

1- مقدمه

مدیران به عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی با آگاهی کامل از وضعیت مالی شرکت و با برخورداری از سطح آگاهی بیشتر نسبت به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، به طور بالقوه سعی دارند که تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه دهند. همچنین ممکن است دارایی‌ها و سرمایه واحد تجاری بیشتر از میزان واقعی گزارش گردد. نتیجه کلی این عملیات چنین خواهد بود که تصویر واحد تجاری بهتر از وضعیت واقعی به نظر رسد و انگیزه سرمایه‌گذاری افراد برون سازمانی در واحد تجاری افزایش یابد. در چنین شرایطی اصول و رویه‌های حسابداری به عنوان پشتوانه مراجع تعیین‌کننده استاندارد حسابداری، با هدف تعدیل خوش‌بینی مدیران، حمایت از حقوق ذی‌نفعان و ارائه منصفانه صورت‌های مالی، مفهوم محافظه‌کاری را بکار می‌برند. محافظه‌کاری به عنوان یکی از میثاق‌های محدود کننده اصول حسابداری، سال‌ها است که مورد استفاده حسابداران قرار می‌گیرد و علی‌رغم انتقادهای فراوان بر آن، همواره جایگاه خود را حفظ نموده است. محافظه‌کاری می‌تواند بر پیش‌بینی‌های سود توسط مدیریت تأثیر گذار باشد بدین صورت که محافظه‌کاری بر دقت و دفعات پیش‌بینی سود تأثیر منفی دارد.

در این پژوهش برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از دو معیار محافظه‌کاری؛ اقلام تعهدی و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار استفاده شده است که با استاندارد سازی باهم ترکیب می‌شوند و همچنین در این پژوهش به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری با دقت و دفعات پیش‌بینی سود پرداخته می‌شود. در حسابداری، محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های برجسته گزارشگری مالی است که در سال‌های اخیر، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در حالیکه اکثر حسابداران وجود محافظه‌کاری را قبول دارند، ولی تاکنون تعریفی جامع و روشن از آن ارائه نشده و هنوز ابهاماتی در این زمینه باقی است. علی‌رغم فقدان تعریف جامعی از محافظه‌کاری در ادبیات حسابداری، دو ویژگی مهم محافظه‌کاری مورد بررسی قرار گرفته است. نخست، وجود جانب‌داری در ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری سهام نسبت به ارزش بازار آن است که توسط فلتام و همکاران (Feltham, et al., 1995) عنوان شده است؛ دوم، تمایل به تسریع در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها است که توسط باسو (Baso, 1997) عنوان شده است.

مفهوم محافظه‌کاری در حسابداری سابقه طولانی دارد، و اتز به نقل از بیلز محافظه‌کاری را اینگونه تعریف کرده است: هیچ سودی را پیش‌بینی نکنید اما همه زیان‌ها را پیش‌بینی کنید (رضازاده و همکاران، 1387، 64). در محیط اطلاعاتی پیرامون یک واحد تجاری، افشای اختیاری اطلاعات مالی

در مورد پیش‌بینی سود وجود دارد. این افشای اختیاری در کاهش اطلاعات نامتقارن حائز اهمیت است (Pownall, et al., 2005).

تسریع در شناسایی اخبار بد می‌تواند بر انگیزه مدیریت تأثیرگذار باشد و مدیران هزینه‌های آتی دعاوی را در پیش‌بینی سود خود در نظر بگیرند. از این رو مطالعه معیارهای حسابداری محافظه‌کارانه با پیش‌بینی‌های اختیاری مدیریت از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. باید توجه داشت که هر چه درجه محافظه‌کاری در بین مدیران بیشتر باشد، آن‌ها تمایل کمتری برای افشای پیش‌بینی‌های خود دارند و به تبع آن دقت پیش‌بینی سود کاهش می‌یابد. پیش‌بینی‌های سود می‌تواند بر ارزش شرکت در بازار اوراق بهادار تأثیر گذارد، در این بین محافظه‌کاری باعث می‌شود مدیران با محدودیت بیشتری سودهای آتی را پیش‌بینی کنند و نمی‌توانند برخی از منافع را در پیش‌بینی‌های خود اعمال نمایند.

روش‌های مختلفی برای پیش‌بینی سود هر سهم از جمله پیش‌بینی توسط مدیران و تحلیل‌گران با استفاده از سری‌های زمانی وجود دارد. کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC)¹ آمریکا در اوایل سال 1973 برای اولین بار به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس آمریکا اجازه افشای پیش‌بینی‌های سود را داد و دو سال بعد شرکت‌ها را ملزم به انتشار چنین اطلاعاتی کرد. در آوریل سال 1976، این الزام بدلیل مخالفت زیاد، برداشته شد و سرمایه‌گذاران جزء ناچار بودند به تحلیل‌گران اتکا کنند. در سال 1381 بورس اوراق بهادار تهران، طبق بند چ ماده 5 آیین‌نامه افشای اطلاعات، شرکت‌ها را مکلف به ارائه پیش‌بینی سود هر سهم در پایان هر سه ماه کرد (مشایخ و شاه‌رخ، 1386، 3).

ممکن است محافظه‌کاری با جایگزینی گسترده اطلاعات نامتقارن بین مدیران و ذی‌نفعان بر استراتژی پیش‌بینی سود تأثیر گذارد. با تسریع در افشای اخبار بد مربوط به سود، محدوده اطلاعات نامتقارن کاهش می‌یابد. یکی از راه‌های کاهش اطلاعات نامتقارن بین مدیران و ذی‌نفعان، افزایش در دقت و دفعات پیش‌بینی‌های سود است (LaFond, et al., 2008). بدین صورت که هر چه دقت و دفعات پیش‌بینی افزایش یابد این عدم‌تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. تغییر در اطلاعات مالی در اثر محافظه‌کاری بر سود گزارش شده تأثیر می‌گذارد از این رو معیارهای حسابداری محافظه‌کارانه می‌تواند بر دقت و دفعات پیش‌بینی توسط مدیریت اثر گذارد. پیش‌بینی‌های مدیران در مورد سود می‌تواند بر ارزش شرکت تأثیر گذارد و باعث افزایش یا کاهش قیمت سهام در بازار اوراق بهادار شود.

دقت و دفعات پیش‌بینی‌هایی که توسط مدیریت انجام می‌شود به درجه محافظه‌کاری مدیر بستگی دارد. بدین ترتیب که با افزایش محافظه‌کاری، مدیران کمتر تمایل دارند که پیش‌بینی‌هایی را در

خصوص وضعیت فعلی و آتی شرکت انجام دهند که به تبع آن دقت پیش‌بینی‌ها کاهش می‌یابد. با توجه به مطالب بیان شده این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سوال است که ارتباط بین محافظه‌کاری در نظام حسابداری با دقت و دفعات پیش‌بینی سود توسط مدیریت چگونه است؟ در این پژوهش به منظور تعیین میزان دقت پیش‌بینی سود مدیران از مدل استفاده شده در پژوهش بیکي (Bikki, 1980) استفاده شده است:

$$\text{خطای پیش‌بینی} = (\hat{E}_t - E_t) / E_t$$

$$\hat{E}_t = \text{پیش‌بینی سود برای دوره } t$$

$$E_t = \text{سود واقعی برای دوره } t$$

برای اندازه‌گیری دقت پیش‌بینی سود از معکوس مدل بیکي استفاده می‌شود. بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد معیارهای مختلفی برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری وجود دارد که اهم آنها به شرح زیر است:

الف: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (BTM)¹ (Beaver, et al., 2000)

ب: اقلام تعهدی (Givoly, et al., 2000)

ج: معیار ترکیبی

الف - معیار مبتنی بر نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (BTM)
جانبداری در ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری سهام نسبت به ارزش بازار سهام معرف محافظه‌کاری از دیدگاه ترازنامه‌ای است و معیار نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار نیز برگرفته از همین تعریف است که بر پایه مبانی منطقی و ساده‌ای بنا نهاده شده است و در ادبیات حسابداری از سطح پذیرش عمومی برخوردار شده است. با اعمال محافظه‌کاری شکاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار بیشتر می‌شود بدین ترتیب که با افزایش محافظه‌کاری این نسبت کاهش می‌یابد و ارتباط منفی بین این دو متغیر وجود دارد.

ب - معیار مبتنی بر اقلام تعهدی

تمایل به تسریع بخشیدن در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها معرف محافظه‌کاری از دیدگاه سود و زیانی است. با اعمال محافظه‌کاری سود دوره کمتر از واقع نشان داده

1. Book to Market

می‌شود و معیار اqlام تعهدی (سود عملیاتی منهای جریان‌های نقدی عملیاتی) رابطه منفی با محافظه‌کاری دارد.

ج - معیار ترکیبی

با استانداردسازی دو معیار فوق (نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و اqlام تعهدی) و جمع آنها با یکدیگر متغیر ترکیبی به نام محافظه‌کاری بدست می‌آید.

2- پیشینه پژوهش

هوی و همکاران (Hui, et al., 2009) در پژوهش خود به بررسی رابطه‌ی بین محافظه‌کاری با تعداد دفعات، دقت و بموقع بودن پیش‌بینی‌های سود توسط مدیران پرداختند. در این پژوهش از سه معیار محافظه‌کاری که می‌تواند ارتباط بین محافظه‌کاری و دفعات، دقت و ویژگی پیش‌بینی سود را نشان دهد، استفاده شده است. این معیارها عبارتند از 1) معیار نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (BTM)، 2) معیار اqlام تعهدی و 3) معیار میزان محافظه‌کاری. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که ارتباط منفی و معنی‌داری بین محافظه‌کاری و تعداد دفعات، دقت و ویژگی پیش‌بینی سود مدیران وجود دارد. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که با کاهش بازده بازار، تأثیر محافظه‌کاری بر تعداد دفعات پیش‌بینی افزایش می‌یابد و همچنین پیش‌بینی اخبار بد نسبت به اخبار خوب بر قوی‌تر شدن این ارتباط تأثیر بسزایی دارد.

یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه محافظه‌کاری با ویژگی‌های شرکت حاکی از این است که محافظه‌کاری با عمر شرکت، عدم اطمینان خاص شرکت و طول چرخه سرمایه‌گذاری آن تغییر می‌کند (Khan, et al., 2009).

لافوند و همکاران (LaFond, et al., 2008) در پژوهشی به بررسی نقش اطلاعاتی محافظه‌کاری پرداختند. آنها در پژوهش خود بر این باورند که حسابداری محافظه‌کارانه به وسیله‌ی دو ساز و کار بالقوه عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران را از بین می‌برد: نخست، حسابداری محافظه‌کارانه می‌تواند بهترین خلاصه ممکن از اطلاعات قطعی به غیر از قیمت سهام را درباره‌ی عملکرد جاری شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاران فراهم سازد. با در نظر گرفتن انگیزه مدیریت برای بیش‌نمایی سود، احتمالاً سودهای تأییدپذیر تنها اطلاعات قطعی قابل عرضه درباره سودها است. از سوی دیگر، معمولاً مدیران نسبت به گزارش زیان‌ها تمایل ندارند. وجود استانداردهایی مبنی بر الزام به تأییدپذیری کمتر برای شناسایی زیان‌ها، می‌تواند موجب شود اطلاعاتی را که مدیران تمایلی به افشای آن ندارند، افشا

شود. از این رو، نتیجه خالص حسابداری محافظه کارانه عبارت است از فراهم ساختن اطلاعات بیشتر نسبت به وضعیتی که در آن استانداردهای حسابداری، تأییدپذیری مشابهی را برای شناخت درآمدها و هزینه‌ها لازم می‌داند.

یافته‌های پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که محافظه‌کاری با پیش‌بینی تمام زیان‌ها، قابلیت پیش‌بینی سود را افزایش می‌دهد، در نتیجه عدم اطمینان با توجه به شناسایی زیان‌ها در آینده کاهش خواهد یافت. وی اثبات کرد که رابطه منفی بین محافظه‌کاری و خطای پیش‌بینی تحلیلگر مستقل وجود دارد. این رابطه نشان می‌دهد که محافظه‌کاری صحت پیش‌بینی تحلیلگر را افزایش می‌دهد (Li, 2008).

در خصوص موضوع پژوهش در داخل کشور پژوهشی انجام نشده است، مهمترین پژوهش‌هایی که در داخل کشور بطور غیرمستقیم با موضوع این پژوهش ارتباط دارند به شرح زیر است:

یافته‌های پژوهش‌های قبلی در زمینه رابطه محافظه‌کاری و به موقع بودن سود حسابداری با اندازه شرکت و اندازه موسسه حسابرسی نشان می‌دهد که سودهای گزارش شده توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در انعکاس اخبار بد به موقع تر از اخبار خوب است در حالیکه روند محافظه‌کاری در طول دوره مورد مطالعه افزایش نیافته است. نتایج بررسی‌ها بین دو گروه شرکت‌های بزرگ و کوچک و همچنین بین دو گروه شرکت‌های حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و شرکت‌های حسابرسی شده توسط اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران نشان داد که عامل اندازه و حسابرسی مستقل شرکت در دو ویژگی به موقع بودن و محافظه کارانه بودن تأثیرگذار نمی‌باشند (خان‌بیگی، 1388).

کردستانی و همکاران (1387)، به بررسی عدم تقارن زمانی سود، رابطه این معیار با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB)، به عنوان معیار شناخته شده‌ای از محافظه‌کاری، پرداخته‌اند. اطلاعات اساسی پژوهش آنها، قیمت بازار سهام و اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌باشد. مبانی اصلی پژوهش آنها بر اساس تئوری واتر و رویچه‌واری (2006)، بنا نهاده شده است. نتایج پژوهش دلالت بر وجود یک رابطه منفی و معنی‌داری بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت MTB بعنوان دو معیار سنجش محافظه‌کاری دارد. هر چه دوره برآورد معیار عدم تقارن زمانی سود طولانی‌تر شود، این رابطه نیز منفی‌تر خواهد شد.

رضا زاده و همکاران (1387)، پژوهشی با عنوان "رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی" انجام دادند. نتایج آزمون‌های تجربی با استفاده از اطلاعات مربوط به نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره 1381 تا 1385 حاکی از وجود

رابطه مثبت و معنی‌دار میان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و سطح محافظه‌کاری اعمال شده در صورت‌های مالی است. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تغییر عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران موجب تغییر در سطح محافظه‌کاری می‌شود. نتایج مزبور بیانگر این است که به دنبال افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، تقاضا به اعمال محافظه‌کاری در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، سودمندی محافظه‌کاری به عنوان یکی از خصوصیات کیفی صورت‌های مالی مورد تأیید است.

3- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب پیش گفته و به منظور بررسی رابطه بین محافظه‌کاری با دقت و دفعات پیش‌بینی سود فرضیه‌هایی را به شرح زیر آزمون می‌شود:

فرضیه اول: بین محافظه‌کاری و دفعات پیش‌بینی سود رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین محافظه‌کاری و دقت پیش‌بینی سود رابطه معنی‌داری وجود دارد.

4- روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی - همبستگی است. در این مطالعه به علت نوع داده‌های مورد مطالعه، روش داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. داده‌های ترکیبی به دو شکل تابلویی و تلفیقی نشان داده می‌شوند. برای انتخاب بین روش داده‌های تابلویی¹ و تلفیقی² از آزمون F لیمر استفاده شده است. اگر داده‌های تابلویی پذیرفته شود، برای بررسی این موضوع که آیا عرض از مبدأ بصورت اثرات ثابت است یا اینکه در ساختار واحدهای مقطعی (شرکت‌ها) بصورت تصادفی عمل می‌کند از آماره هاسمن استفاده می‌شود.

بر اساس مدل ارائه شده در پژوهش هوی و همکاران (Hui, et al., 2009) و پیشینه پژوهش‌های انجام شده مدل رگرسیونی که برای آزمون فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{Freqit} = \beta_0 + \beta_1 \text{Conit} + \beta_2 \text{Retit} + \beta_3 \text{Mvit} + \beta_4 \text{Badit} + \beta_5 \text{Issit} + \beta_6 \text{Coiit} + \beta_7 \text{Instit} + \beta_8 \text{Betait} + \xi_{it} \quad (\text{مدل فرضیه اول})$$

$$\text{Specit} = \beta_0 + \beta_1 \text{Conit} + \beta_2 \text{Retit} + \beta_3 \text{Mvit} + \beta_4 \text{Badit} + \beta_5 \text{Issit} + \beta_6 \text{Coiit} + \beta_7 \text{Instit} + \beta_8 \text{Betait} + \xi_{it} \quad (\text{مدل فرضیه دوم})$$

در مدل فوق $Freq_{it}$: متغیر وابسته مدل اول که دفعات پیش‌بینی سود برای شرکت i ام در سال t است، $Spec_{it}$: متغیر وابسته مدل دوم که دقت پیش‌بینی سود برای شرکت i ام در سال t است، Con_{it} : محافظه کاری برای شرکت i در سال t ، متغیر محافظه کاری حاصل جمع دو متغیر استاندارد شده اقلام تعهدی و BTM .

برای بالا بردن معنی داری مدل و با توجه به پژوهش هوی و همکاران (Hui, et al., 2009) از متغیرهای کنترلی به شرح زیر استفاده شده است:

RET_{it} : نرخ بازده سالانه سهام برای شرکت i در سال t ، MV_{it} : لگاریتم میانگین ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t ، BAD_{it} : متغیر مجازی در صورتی که بازده سهام مثبت باشد عدد 1 در غیر اینصورت عدد صفر تعریف می‌شود، ISS_{it} : متغیر مجازی در صورتی که شرکت افزایش سرمایه داده باشد عدد 1 و در غیر این صورت عدد صفر تعریف می‌شود، COI_{it} : نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌ها برای شرکت i در سال t ، $INST_{it}$: متغیر مجازی در صورتی که سهامدار نهادی بیش از 20% باشد عدد 1 و در غیر این صورت عدد صفر تعریف می‌شود و $BETA_{it}$: بتای شرکت i در سال t .

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی بین سال‌های 1381 تا 1387 است. در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش حذف سیستماتیک استفاده می‌گردد، بدین منظور کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شده‌اند:

الف - به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به 29 اسفند باشد.
ب - معاملات سهام آنها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.

به منظور همگن بودن اطلاعات، فعالیت آنها تولیدی باشد.

د - اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این تحقیق قابل دسترس باشد.

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تعداد 90 شرکت انتخاب شده است.

5- آمار توصیفی

با توجه به نتایج منعکس در جدول 1، کمترین تعداد دفعات پیش‌بینی سود توسط مدیریت (مربوط به شرکت گروه صنعتی قطعات اتومبیل ایران در سال 1381) صفر می‌باشد، ولی حداکثر تعداد دفعات پیش‌بینی سود توسط مدیریت 9 بار می‌باشد (مربوط به داده‌پردازی ایران در سال 1386 و سیمان صوفیان در سال 1382). بطور میانگین شرکت‌های عضو نمونه در طی سال‌های 1381 الی 1387 تعداد 4/82 بار سود خود را پیش‌بینی کرده‌اند.

جدول (1): آمار توصیفی

متغیرها	تعداد مشاهدات	انحراف معیار	بیشینه	کمینه	میانگین
Freq	90	1/20	9	-	4/82
Spec	90	71/30	1011/11	- 712/65	13/92
con	90	16	234/02	- 177/49	- 2
Ret	90	89/11	1046/32	- 72/99	35/22
Mv	90	0/67	7/36	3/90	5/61
Bad	90	0/48	1	-	0/37
Iss	90	0/49	1	-	0/39
Coi	90	0/11	0/53	- 0/68	0/02
Beta	90	2/06	30/62	- 29/28	0/59
inst	90	0/34	1	-	0/86

6- آزمون فرضیه

6-1- آزمون فرضیه اول

فرضیه اصلی پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

بین محافظه‌کاری و دفعات پیش‌بینی سود رابطه معنی داری وجود دارد.

داده‌های این پژوهش بصورت ترکیبی می‌باشند، در داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون F لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها مشخص شود. با توجه به نتایج بدست آمده از نرم افزار Stata 8 که در جدول 2 نشان داده شده است، مقدار احتمال برای F لیمر عدد 0/0022 است ($p < 0/05$). این مقدار نشان می‌دهد که برای بررسی این ارتباط بایستی از روش داده‌های تابلویی استفاده شود.

با توجه به تابلویی بودن مدل بایستی برای تعیین نوع داده‌های تابلویی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده شود. همانطوری که در جدول 2 نشان داده شده است، مقدار احتمال برای آزمون هاسمن عدد 0/1069 است که این مقدار حاکی از استفاده از روش اثرات تصادفی می‌باشد. با توجه به فزونی تعداد بنگاه‌ها از تعداد سال‌های موردنظر (90 شرکت، در طی 7 سال) مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد که برای رفع این مشکل از روش رگرسیون GLS استفاده می‌شود.

جدول (2): رگرسیون داده‌های ترکیبی برای عوامل تعیین کننده دفعات پیش‌بینی سود

روش داده‌های تابلویی (اثرات تصادفی)		روش
احتمال	ضریب	متغیر
0/035	- 0/057	Con
0/028	0/001	Ret
0/000	0/303	Mv
0/058	- 0/203	Bad
0/000	0/423	Iss
0/008	1/124	Coi
0/12	0/002	Beta
0/140	- 0/261	Inst
0/000	3/194	Cons
(0/000) 100/29		F (احتمال)
0/27		R ² تعدیل شده
(0/0022) 1/54		F لیمر (احتمال)
(0/1069) 14/46		آزمون هاسمن (احتمال)

همانطور که جدول 2 نشان می‌دهد در این دوره زمانی متغیر مستقل محافظه‌کاری رابطه منفی و معنی‌داری با متغیر وابسته دفعات پیش‌بینی سود دارند. میزان ارتباط بین این دو متغیر (0/057) است که نشان می‌دهد در صورتی که متغیر مستقل محافظه‌کاری یک درصد افزایش یابد در اثر این افزایش متغیر وابسته 0/057 کاهش می‌یابد. به طور کلی می‌توان چنین استدلال نمود که محافظه‌کاری در سطح کل شرکت‌های عضو نمونه جهت پیش‌بینی سود توسط مدیریت مربوط است. در مورد متغیرهای کنترلی لازم به ذکر است که از بین هفت متغیر کنترلی، متغیرهای بازده، ارزش بازار، متغیر

مجازی افزایش سرمایه و نسبت سود عملیاتی به کل دارایی ارتباط مثبت و معنی‌داری با متغیر وابسته دارد و بقیه متغیرهای کنترلی معنی‌دار نیستند. R^2 تعدیل شده نشان می‌دهد 27 درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شوند.

بر اساس توضیحات بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه منفی و معنی‌داری بین محافظه‌کاری و دفعات پیش‌بینی سود وجود دارد و فرضیه اول پژوهش با اطمینان 95 درصد رد نمی‌شود. برای بررسی اعتبار کلی مدل چند متغیره از آماره F فیشر استفاده می‌شود، با توجه به جدول 2 نشان می‌دهد که F محاسبه شده از F جدول بزرگتر است ($p < 0/05$)، بر این اساس می‌توان معنی‌داری این مدل را تأیید کرد.

هوی و همکاران (Hui, et al., 2009) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی و معنی‌داری بین محافظه‌کاری و دفعات پیش‌بینی سود وجود دارد، نتایج این پژوهش هم منطبق با پژوهش هوی و همکاران است.

6-2- آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

بین محافظه‌کاری و دقت پیش‌بینی سود رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده از نرم افزار Stata 8 که در جدول 3 نشان داده شده است، مقدار احتمال برای F لیمر عدد 0/0004 است ($p < 0/05$)، این مقدار نشان می‌دهد که برای بررسی این ارتباط بایستی از روش داده‌های تابلویی استفاده شود.

مقدار احتمال برای آزمون هاسمن این مدل عدد 0/3526 است که این مقدار حاکی از استفاده از روش اثرات تصادفی می‌باشد. در ادامه باید آزمون رگرسیون با روش داده‌های تابلویی - اثرات تصادفی انجام شود. با توجه به فزونی تعداد بنگاه‌ها از تعداد سال‌های موردنظر (90 شرکت، در طی 7 سال) مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد که این مشکل با استفاده از روش رگرسیون GLS رفع می‌شود.

جدول (3): رگرسیون داده‌های ترکیبی برای عوامل تعیین کننده دقت پیش‌بینی سود

روش داده‌های تابلویی (اثرات تصادفی)		روش
احتمال	ضریب	متغیر
0/259	- 2/214	Con
0/000	0/147	Ret
0/012	10/152	Mv
0/013	13/209	Bad
0/474	- 3/348	Iss
0/192	- 2/671	Coi
0/238	0/473	Beta
0/398	1/582	Inst
0/010	- 15/351	Cons
(0/0000) 481/77		F (احتمال)
0/31		R ² تعدیل شده
(0/0004) 1/66		F لیمر (احتمال)
(0/3526) 8/88		آزمون هاسمن (احتمال)

با توجه به مبانی نظری بیان شده، انتظار می‌رفت رابطه منفی معنی‌داری بین محافظه‌کاری و دقت پیش‌بینی سود باشد، اما همانطوری که در جدول 3 نشان داده شده است ارتباط منفی بین محافظه‌کاری و دقت پیش‌بینی سود وجود دارد ولی این ارتباط با احتمال 95٪ اطمینان معنی‌دار نیست. به طور کلی می‌توان چنین استدلال نمود که محافظه‌کاری در سطح کل شرکت‌های عضو نمونه جهت دقت پیش‌بینی سود مناسب نیست.

در مورد متغیرهای کنترلی لازم به ذکر است که از بین هفت متغیر کنترلی، متغیرهای بازده، ارزش بازار و متغیر مجازی مبنی بر بازده مثبت ارتباط مثبت و معنی‌داری با متغیر وابسته دارد و بقیه متغیرهای کنترلی معنی‌دار نیستند. R² تعدیل شده نشان می‌دهد 31 درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شوند.

بر اساس توضیحات بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معنی‌داری بین محافظه‌کاری و دقت

پیش‌بینی سود وجود ندارد و فرضیه دوم پژوهش با اطمینان 95 درصد رد می‌شود.

برای بررسی اعتبار کلی مدل چند متغیره از آماره F فیشر استفاده می‌شود، با توجه به جدول 3 نشان می‌دهد که F محاسبه شده از F جدول بزرگتر است ($p < 0/05$)، بر این اساس می‌توان معنی‌داری این مدل را تأیید کرد.

هوی و همکاران (Hui, et al., 2009) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی و معنی‌داری بین محافظه‌کاری و دقت پیش‌بینی سود وجود دارد، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط منفی بین محافظه‌کاری و دقت پیش‌بینی سود وجود دارد ولی این ارتباط با احتمال 95 درصد معنی دار نیست که منطبق با پژوهش هوی و همکاران نمی‌باشد.

7- نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال بررسی رابطه بین محافظه‌کاری با دقت و دفعات پیش‌بینی سود است. مدیران با آگاهی کامل بر وضعیت مالی شرکت و با توجه به ابزارهایی که در دست دارند، به طور بالقوه سعی دارند که تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه دهند. میزان محافظه‌کاری مدیران تأثیر منفی بر دقت و دفعات پیش‌بینی سود می‌گذارد. برای این منظور از دو معیار محافظه‌کاری؛ اقلام تعهدی و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش برای بررسی ارتباط مذکور به شرح زیر است:

فرضیه اصلی مبنی بر اینکه رابطه معنی‌داری بین محافظه‌کاری و تعداد دفعات پیش‌بینی سود توسط مدیریت تأیید می‌شود بر این اساس محافظه‌کاری باعث می‌شود که مدیران کمتر تمایل داشته باشند که پیش‌بینی‌های در خصوص سود شرکت انجام دهند. ولی شواهد کافی برای پذیرش فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه رابطه معنی‌داری بین محافظه‌کاری و دقت پیش‌بینی سود وجود دارد، یافت نگردید.

منابع و مأخذ:

1. احمد خان‌بیگی، مصطفی (1388). "رابطه محافظه‌کاری و به موقع بودن سود حسابداری با اندازه شرکت و اندازه موسسه حسابرسی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علامه طباطبائی، تهران.
2. رضازاده، جواد و عبدالله آزاد (1387). "رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره 54، 63-80.
3. کردستانی، غلامرضا و حبیب‌امیر بیگی لنگرودی (1387). "بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB بعنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره 52، 89-106.
4. مشایخ، شهناز و سیده سمانه شاهرخی، (1386). "بررسی دقت پیش‌بینی سود توسط مدیران و عوامل موثر بر آن"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره 50، 65-82.
5. Beaver, W., Ryan, S. (2000). Biases and Lags in Book Value and their Effects on the Ability of the Book-to-Market Ratio to Predict Book Return on Equity. *Journal of Accounting Research* 38, pp. 127–148.
6. Bikki, J. (1980). Further Evidence on the Accuracy of Management Forecasts Vis-à-vis Analysts Forecasts, *The Accounting Review*. Vol.55 No. 1, pp: 96-101.
7. Givoly, D., Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: has financial accounting become more conservative?, *Journal of Accounting and Economics*, 29, pp. 287–320.
8. Hui, K.W., Matsunaga, S., and Morse D., (2009). The Impact of Conservatism On Management Earnings Forecasts. *Journal of Accounting And Economics*, 47, pp. 192-207.
9. Khan m. , Watts R. L. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics* 48, pp. 132-150.
10. LaFond, R., Watts, R.L. (2008). The Information Role of Conservatism, *The Accounting Review* 83, pp. 447–478.
11. Li, J., (2008). Accounting conservatism, information uncertainty and analysts' forecasts, Working Paper, Columbia University.
12. Pownall, G., Waymire, G., (1989). Voluntary Disclosure Credibility and Securities Prices: Evidence from Management Earnings Forecasts, 1969–73. *Journal of Accounting Research* 27, pp. 227–245.
13. Price, R. A. (2005). Accounting Conservatism and the asymmetry in the earning response to current and lagged returns; on line, [Http / / www.ssm.com](http://www.ssm.com).